**١٢ - ذم استعمال دخان**

در اثری بعنوان خادم الله خطاباً للنّاظر :

**هو الاقدس الاعظم الابهی**

الحمد للّه المقدّسِ عنِ الذّکر و الثّناء . . . فرمودند رفیق همراه شما به نصایح الهیه عمل ننمودند چه که لازال از لسان این مظلوم شنیده بود که باید با جمیع ناس بکمال محبت و شفقت و بُردباری معاشرت کند و تکلّم نماید و بکمال حکمت ما بین ناس به تبلیغ امر الله متوجّه باشد و او در مجالس و محافل بغیر ما اَذِنَ اللّه تکلّم نموده و هم سبب اختلاف شده . . . بعضی عرائض بساحت اقدس فائز و مشتمل بر شکایت از جناب نبیل بوده بعضی از آن نفوس آنچه مذکور نموده‌اند مطابق واقع بوده لذا یومی از ایّام جناب نبیل احضار شدند لسان قدم بالمواجهه به بیانات شافیه کافیه ناطق بعد ایشان مضطرب شدند و رفته عریضه بساحت اقدس ارسال نمود و در آن عریضه اظهار توبه و ندامت و عجز لایحصی نموده و فی الحقیقه مقصود ایشان در هر حالی نصرت امر بوده آنچه کرده‌اند و گفته‌اند همچه دانسته‌اند مصلحت امر در آن است ولکن این عبد فانی متحیّر است که چگونه بعد از الواح منزله و احکام محکمة و اوامر مسطورة مثل ایشان به مقتضییات نفوس و مجالس و محافل عمل ننمایند و از حکمت منزله در الواح غافل شوند ولکن عَفَا اللّه عنه فضلاً من عنده انه لهو العفوّ الغفور بسیار از امورات اگر چه در ظاهر نصرت امر ازو مفهوم میشود ولکن چون مخالف امر الله است ثمری نداشته و نخواهد داشت مثلا جناب آقا جمال علیه من کلِّ بهاءٍ ابهاه بکمال استقامت در امر الله قیام نموده امری هم ازیشان ظاهر نشد که سبب تضییع امر الله باشد ولکن چون از حکمت منزله عمل ایشان خارج بود لذا قلم اعلی در تصدیق آنچه عمل نمود توقف فرمود . . . اینکه در بارۀ جناب حاجی مذکور فرموده صحیح است فی الحقیقه جناب نبیل بغیر حکمت عمل نموده حکم قلیان در کتاب اقدس نازل نشده حق جلّ کبریاؤه نظر بحکمت بالغه و حفظ در این فقره حکمی نفرموده‌اند تا دوستان حق مبتلا نشوند این قدر از لسان مبارک استماع شد که اطفال را تربیت نمایند تا از اول معتاد بآن نشوند جزاین کلمۀ مبارکه استماع نشده و الیوم جمیع مأمور به کتاب اقدس‌اند که بآن عامل شوند و آنهم نه اعمالی که الیوم سبب تفصیل و ضوضاء خلق شود در جمیع موارد باید بحکمت ناظر بود .

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : شرب دخان عند الحق مذموم و مکروه و در نهایت کثافت و در غایت مضرّت ولو تدریجا و از این گذشته باعث خسارت اموال و تضییع اوقات و ابتلای بعادت مضره است لهذا نزد ثابتان بر میثاق عقلاً و نقلاً مذموم و ترک سبب راحت و آسایش عموم . . . البته احبای الهی بوصول این مقاله بهر وسیله باشد ولو بتدریج ترک این عادت مضرّه خواهند فرمود چنین امیدوارم .

و قوله العزیز : مدینه ( مدینة الله بغداد ) جناب آقا محمد حسین وکیل علیه بهاء الله . ای بنده الهی نامۀ که به جناب میرزا عبدالوهاب مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید سبب بهجت و سرور شد این را مرقوم نموده بودید که به وصول مکتوب دخان احباء فورا ترک نمودند و دخان ملفوف را از دست انداختند فی الحقیقه ضرر و زیان این دود بی‌نفع و سود واضح و مشهود است اجسام را بکلی معلول نماید و اعصاب را رخاوت و سستی بخشد و دماغ یعنی مغز را از احساسات علویّه محروم نماید اوقاتی بشربش بیهوده بگذرد و اموال بی‌جا صرف گردد نه تشنگی بنشاند و نه گرسنگی زائل کند شخص عاقل البته ترک این مضرّ هائل نماید و همواره به آنچه سبب صحّت و سلامتی است پردازد .

و قوله اللطیف : مرا آرزو چنان است که کم کم از شرب دخان نیز احتراز نمایند تا چه رسد به افیون .

و در خطابی دیگر : طهران . جناب استاد علی فخار و جناب استاد عبدالله فخار و جناب آقا سید ابراهیم بنا علیهم بهاء الله الابهی .

**هو الله**

ای بندگان جمال ابهی جناب استاد علی منظومه مخمس مفصلی ارسال نموده داد سخن داده و بذکر محبوب آفاق پرداخته چون این ثنای حق است مقبول درگاه کبریا است و سزاوار تحسین فصحاء و بلغاء ذکر شما را نموده و از برای کل فوز و فلاح و فیض و نجاح خواسته عبدالبهاء از عدم فرصت بشما جمعاً نامه می‌نگارد و با نهایت شوق و وله بذکر شما می‌پردازد و از الطاف الهی بهره و نصیب خواهد یک معنی از معانی شجرۀ ملعونه دخان است که مکروه است و مذموم و مضرّ است و مسموم تضییع مال است و جالب امراض و ملال و اما شراب به نص کتاب اقدس شربش ممنوع و شربش سبب امراض مزمنه و ضعف اعصاب و زوال عقل است .